

تبیین اخلاقی و جامعه‌شناختی زمینه‌های مؤثر بر جنسیت‌زدگی جامعه

احمد جهانی کله سر^۱، دکتر محمد مهدی رحمتی^{۲*}، دکتر اقباله عزیز خانی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

۲. گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

۳. گروه جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷)

چکیده

زمینه: نابرابری جنسیتی عبارت است از برخورد یا عملی که براساس جنسیت افراد به تحقیر، طرد، خوار شمردن و کلیشه‌بندی آنان می‌پردازد و نشان‌دهنده یکسان نبودن دسترسی زنان و مردان به فرصت‌ها و امکاناتی مانند امکانات آموزشی است. هدف از تحقیق حاضر تبیین اخلاقی و جامعه‌شناختی زمینه‌های مؤثر بر جنسیت‌زدگی جامعه بود.

روش: پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع از نوع ترکیبی بود. بخش کیفی که به روش داده بنیاد انجام شد جامعه‌آماری شامل اساتید دانشگاهی رشته جامعه‌شناسی که در زمینه اخلاق و حقوق زنان فعالیت داشتند بود و از میان آنها نمونه‌ای ۱۵ نفره با روش نمونه‌گیری هدفمند و رسیدن به اشباع نظری انتخاب شد. ابزار مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته بود و داده‌ها با روش کدگذاری ۳ مرحله‌ای تحلیل شدند. در بخش کمی جامعه‌آماری شامل زنان و مردان بالای ۱۸ سال در شهر اردبیل در سال ۱۴۰۱ بود که از میان آنها ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پرسشنامه بود و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای *SPSS* و *Lisrel* با آزمونهای معادلات ساختاری انجام گرفت.

یافته‌ها: بر اساس نتایج کیفی ۶۳ کد باز شناسایی شد که در ۲۴ مقوله طبقه‌بندی و در نهایت با کدگذاری انتخابی مدل تحقیق ترسیم شد. در بخش کمی نتایج بیانگر برآزش مناسب مدل تحقیق بود.

نتیجه‌گیری: نتایج یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ابعاد، پیامدهای تاثیر و نشانگرهای عامل‌های اخلاقی و اجتماعی، عوامل علی، عوامل مداخله‌گر، عوامل زمینه‌ای، راهبردهای عامل‌های فرهنگی و اجتماعی بر جنسیت‌زدگی جامعه مورد شناسایی قرار گرفت.

کلیدواژه‌گان: تبیین اخلاقی، جامعه‌شناختی، جنسیت‌زدگی

سر آغاز

برابری جنسیتی یکی از مباحث مهم در حوزه اخلاق^۱ و تعاملات اجتماعی^۲ است. با وجودی که فقط پنجاه سال است تفکرات به نقش زنان در جامعه تغییر کرده، امروزه اجماع عمومی جهانی وجود دارد که توانمندسازی زنان^۳ «اقتصادی هوشمندانه» است و برابری جنسیتی^۴ در ابعاد مختلف اجتماعی اقتصادی تأثیری مثبت بر رشد و توسعه انسانی دارد(۱).

محققان بر نقش اخلاق و اهمیت جامعه‌پذیری در شکل‌گیری تعاریف جنسیتی و خشونت‌نمادین که توجیه‌کننده‌های اصلی نابرابری جنسیتی هستند، تأکید می‌کند. از اساسی‌ترین آموخته‌های هر فرد در جریان جامعه‌پذیری جنسیتی، نقش‌های جنسیتی مناسب و شیوه‌های ایفای آن است.

از نظر محققان نوعی علیت چرخشی در نظام نابرابری جنسیتی جوامع مدرن وجود دارد؛ به طوری که ساختارهای عینی اجتماعی^۵، اخلاق و باور فردی را شکل می‌دهد و افراد بر پایه‌ی آن به گونه‌ای عمل می‌کنند که نظم اجتماعی جنسیتی تقویت شود (۲). برخی محققان بازتولید نابرابری جنسیتی را با مفهوم عادت‌واره و میدان مطرح می‌کنند. مفهوم عادت‌واره نوعی آمادگی عملی و آموختگی ضمنی است. عادت‌واره نوعی تربیت‌یافتگی اجتماعی از سنخ ذوق و سلیقه است که به عاملان اجتماعی این امکان را می‌دهد که روح قواعد، آداب، جهت‌ها، ارزش‌های اخلاقی^۶، روشها و دیگر امور حوزه‌ی(میدان) خاص خود(میدان علمی، اقتصادی، ورزشی، هنری، سیاسی و ...) را دریابند؛ درون آن پذیرفته شوند؛ جا بیفتند و منشأ اثر گردند (۳).

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی: mm.rahmati1988@gmail.com

یکی از نظراتی که در رابطه با نابرابری جنسیتی مطرح است، دیدگاه فمینیسم^۷ است. محور دیدگاه فمینیسم تشخیص نابرابری‌های جنسیتی است. از دیدگاه فمینیسم، جنسیت یکی از ویژگی‌های اساسی ساختار خانواده است. جنسیت و خانواده ناگزیر با همدیگر پیوند خورده‌اند و برای اغلب ما حتی فکر کردن به یکی از این دو، بدون داشتن مفروضاتی درباره‌ی دیگری دشوار است. تحلیل‌های فمینیستی بر این باورند که نابرابری جنسیتی و روابط قدرت، از ویژگی‌های ساختار خانوادگی محسوب می‌شوند. کلیشه‌های جنسیتی^۸ و رفتارهای تربیتی نامتوازن و نابرابر در همان اوان کودکی و در بطن خانواده وجود داشته و به این ترتیب پایه‌های نابرابری جنسیتی در خانواده ریخته می‌شود. مارگارت مید بر این باور بود که ویژگی‌هایی که در فرهنگ جوامع اروپایی (و در بسیاری از نقاط جهان) زنانگی و مردانگی نامیده می‌شود لزوماً از موقعیت زیستی مذکر و یا مؤنث بودن ریشه نمی‌گیرد، بلکه حاصل الگوهای فرهنگی^۹ هستند که در شکل دادن به شخصیت زن یا مرد مؤثرند (۴). اگر بهره‌مندی زن و مرد از امکانات مختلف نابرابر باشد، به مرور این تصویر ذهنی در کودکان شکل می‌گیرد که نابرابری جنسیتی امری طبیعی است. از سوی دیگر، اگر زن خانواده باورهای قالبی جنسیتی را پذیرفته باشد، دو پیامد مهم به همراه خواهد داشت؛ نخست، موجب می‌شود زن موقعیت فرودست خود و سهم‌بری نابرابر از امکانات موجود را بپذیرد و پیامد دوم نیز آن است که مادر که مهم‌ترین کارگزار جامعه‌ی پدیری تلقی می‌شود، این باورها را به نسل‌های آتی منتقل می‌کند. هر دو پیامد فوق، موجب استمرار و بازتولید نابرابری در خانواده و به دنبال آن، در جامعه می‌شوند. بوردیو معتقد است مجموعه‌ی این سرمایه‌ها، موقعیت اجتماعی و طبقه‌ی فرد را مشخص می‌کند. اگر قشر بندی جنسیتی را به درون روابط خانوادگی بیاوریم، می‌توانیم با تعیین میزان سهم‌بری هریک از زوجین از سرمایه‌های مختلف، موقعیت وی را مشخص سازیم. در واقع نحوه‌ی سهم‌بری افراد از این سرمایه‌ها، میزان نابرابری جنسیتی را مشخص می‌کند (۵). نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد، در مجموع عواملی چون وجود نگرش‌های تبعیض آمیز جنسیتی در نهادهای فرهنگی و سنتی، جامعه‌پذیری جنسیتی، ایدئولوژی مرد سالاری و عقاید قالبی جنسیتی، کلیشه‌ها و هنجارهای جنسیتی به نابرابری جنسیتی منجر می‌شوند، گرچه رشد اقتصادی می‌تواند به کاهش نابرابری بینجامد، اما شیوه‌های فرهنگی خاص در کشورهای در حال توسعه که سبب نابرابری جنسیتی می‌شوند، گاهی حتی با مواجهه‌ی رشد اقتصادی نیز باقی می‌مانند، لذا عوامل فرهنگی و اجتماعی در ایجاد نابرابری بسیار مهم هستند (۶).

در سطح کلان، از طریق نهادهای جامعه و روابط میان فردی، جنسیت پایه‌ای برای تقسیم کار، واگذاری نقش‌ها و اختصاص دادن پاداشهای اجتماعی است، تا همین اواخر، چنین تفاوت‌هایی طبیعی بود، هر چند پژوهش‌ها نشان می‌دهند چنین تفاوت‌هایی طبیعی نیستند، در مخلوقات اجتماعی هستند و به منظور تأکید بر این نکته، جامعه‌شناسان «مرد» و «زن» عوض بین جنس و جنسیت تفاوت قائل هستند، جنس به تفاوت‌های زیستی بین زن و مرد بر می‌گردد، اما جنسیت، به عنوان یک

وجه از ساختار اجتماعی دانسته می‌شود که به الگوهای اجتماعی و فرهنگی ای بر می‌گردد که به زن و مرد القا شده‌اند (۷). لذا افراد با جامعه‌پذیری جنسیتی به کمک کارگزاران اجتماعی مانند خانواده و رسانه‌ها، نقش‌های جنسیتی را می‌آموزند. نوزاد با جنس به دنیا می‌آید و در جامعه جنسیت او تکوین می‌یابد. کودکان با اجتماعی شدن اولیه و ثانویه، به تدریج هنجارها و توقعات متناسب با جنس خود را درونی می‌کنند. تفاوت‌های جنسیتی به صورت فرهنگی خلق می‌شوند، طبق این دیدگاه، نابرابری‌های جنسیتی به این دلیل به وجود می‌آیند که مردان و زنان در نقش‌های مختلفی اجتماعی می‌شوند (۸). و این نابرابری‌های جنسیتی، از این جهت مهم هستند که مسائل اجتماعی تولید می‌کنند (۷).

محققان انواع تعریف جنسیتی را جدا از هم میدانند، برای نمونه عقاید قالبی جنسیتی، در برگیرنده‌ی باورهایی است که با تأکید بر تفاوت زنان و مردان در شیوه‌های پاسخ‌گویی به موقعیت‌های مختلف شکل می‌گیرد. به گونه‌ای که در یک نظام سلسله‌مراتبی، تمایزات میان زن و مرد بر ایدئولوژی‌های جنسیتی، هنجارهای جنسیتی^{۱۰} و کلیشه‌های جنسیتی سازمان می‌یابد. همچنین، این تعاریف برای مشروع سازی توزیع فرصت‌ها در تقسیم کار، نظام قدرت و مواجهات خرد میان زنان و مردان به کار می‌رود. میزانی که در آن مزیت‌های مردان موجب جنسیتی شدن یا پذیرش داوطلبانه تمایزهای جنسیتی می‌شود، به نوبه‌ی خود، با تقسیم جنسیتی کار خانگی و غیر خانگی، مدل‌های نقش‌های جنسیتی شده جوانان و جامعه‌پذیری جنسیتی شده آنها در خانواده، افزایش می‌یابد (۹). از طرف دیگر چافتر معتقد است. پایه‌های اختیاری نابرابری جنسیتی چون تقسیم اقتصادی، توزیع اشتغال و موقعیت‌های برگزیده و نیز تعاریف فرهنگی جامعه، نوعی تبعیض جنسیتی را ایجاد می‌کند. این تبعیض در کار و فعالیت اعمال شده و در ضمن، عامل جامعه‌پذیری برای نسل بعدی می‌شود و بدین سان تفاوت‌های جنسیتی در سطح خرد میان زن و مرد بازتولید می‌شود. شناخت نیروهای حفظ‌کننده امکان تشخیص این را فراهم می‌کند که تغییرات مطلوب چگونه باید باشد (۱۰). نظریات نابرابری فمینیستی بر این اصل استوار است که جایگاه زنان در بیشتر موقعیت‌ها نه تنها متفاوت از جایگاه مردان، بلکه از آن کم به‌تر و با آن نابرابر است. تبیین‌های فمینیستی لیبرال و مارکسیستی از جهت نابرابری از این جمله هستند (۱۱). بدرفتاری با زنان، خشونت و ضرب و شتم و ایجاد فشارهای روانی علیه آنان موضوع جدیدی نیست. در کشور ما، از نیمه دوم دهه ۷۰ تا به حال، ابعاد این پدیده به قدری گسترده شده که به صورت یک مسأله و آسیب اجتماعی^{۱۱} نمود پیدا کرده است. امروزه خشونت علیه زنان مرزهای فرهنگی، تحصیلی و شغلی را در نوردیده، به طوری که شاهد انواع خشونت از طرف مردان بر زنان در تمامی مقاطع تحصیلی و شغلی هستیم و با مراجعه به جرایم کثیرالانتشار، دادگاه‌های خانواده، مشاهدات تجربی و مروری بر اخبارهای رسمی و غیررسمی می‌توان به روند رشد فزاینده‌ی این پدیده‌ی پنهان در مناطق مختلف کشور پی برد (۱۲). طرح بحث در دهه ۷۰ میلادی نشانگر این امر است که پس از گذشت زمانی طولانی که مفاهیم دموکراسی، آزادی و برابری

شناسایی پیامدهای تاثیر جنسیت‌زدگی جامعه (۹ سوال)؛ شناسایی عوامل علی‌تاثیرگذار جنسیت‌زدگی جامعه (۹ سوال)؛ شناسایی عوامل مداخله‌گر جنسیت‌زدگی جامعه (۶ سوال)؛ عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر جنسیت‌زدگی جامعه (۱۲ سوال)؛ راهبردهای جنسیت‌زدگی جامعه (۱۳ سوال) بود با طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای بود. لازم به ذکر است پس از انطباق پرسش‌نامه با متن اصلی و تغییرات جزئی در برخی عبارات، ارتباط آن‌ها با عامل مورد اندازه‌گیری در اندازه‌گیری متغیر مربوطه در قالب روش محتوایی نیز مورد تأیید استاد محترم راهنما در این پژوهش قرار گرفت.

توانایی ابزار در حفظ پایایی خود در طول زمان (علیرغم شرایط غیر قابل کنترل آزمون و وضعیت خود پاسخگویان) حاکی از پایداری آن و تغییرپذیری اندک آن می‌باشد. برای آزمون پایایی دو راه وجود دارد:

اعتبار باز آزمایی و اعتبار سازگاری: در این تحقیق از اعتبار سازگاری اجزا، که آزمونی است برای سنجش سازگاری پاسخ‌های فرد با همه عناصر ابزار اندازه‌گیری، استفاده شده است. مشهورترین آزمون برای اعتبار سازگاری اجزا عبارتست از ضریب آلفای کرونباخ.

آزمون آلفای کرونباخ: برای محاسبه همبستگی درونی ابزار از جمله پرسش‌نامه‌ها یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند، از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ استفاده می‌شود.

ضریب آلفا بیانگر این مطلب است که سؤالات هم‌پوشانی و هم‌چنین هم‌سوئی داشته و پاسخ‌دهندگان نیز با دقت و آگاهی به سؤالات پاسخ داده‌اند. ضریب آلفا برحسب فرمول زیر بدست می‌آید:

$$r_a = \frac{J}{J-1} \left(1 - \frac{\sum S_j^2}{S^2}\right)$$

که در آن:

J = تعداد سؤالات پرسش‌نامه

$\sum S_j^2$ = واریانس سؤال j ام

S^2 = واریانس کل آزمون

برای آزمون با هدف‌های پژوهشی، حصول پایایی بین ۰/۶ تا ۰/۸ کافی و مناسب است. با توزیع ۳۰ پرسش‌نامه بین جامعه آماری و جمع‌آوری آن‌ها، با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Lisrel پایایی پرسشنامه‌های تحقیق مطابق جدول ۱ بدست آمده که قابل قبول است.

جدول ۱: جدول آلفای کرونباخ

متغیرهای پژوهش	میزان آلفای کرونباخ
کل پرسشنامه	۰/۸۱

این میزان در پرسشنامه توزیع شده برای متغیرهای تحقیق بالای ۷۰ درصد محاسبه شده است که خروجی محاسبه نرم‌افزار SPSS در ضمیمه پیوست می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده نشان از پایایی مناسب پرسشنامه می‌باشد.

فقط در حوزه عمومی مطرح بود، به حوزه خصوصی یعنی خانواده نیز کشیده شد و در جوامع مختلف حرکتی شکل گرفت که مهمترین درخواست آن دادن حقوق برابر اجتماعی و مدنی به افراد ضعیف‌تر در درون خانواده بود. همان‌گونه که اعمال خشونت در جامعه به مجازات افراد خاطی می‌انجامد باید خشونت در خانواده را طرد کرد و پیش‌بینی‌های لازم را برای حمایت از افراد ضعیف در نظر گرفت (۱۳). بر اساس مطالعات انجام شده جنسیت‌زدگی باعث ایجاد تبعیض جنسیتی و تبعیض باعث ایجاد خشونت جنسی^{۱۲} در جامعه می‌شود. تبعیض و نابرابری جنسیتی عبارت است از برخورد یا عملی که براساس جنسیت افراد به تحقیر، طرد، خوارشمردن و کلیشه‌بندی آنان می‌پردازد (۱۴). و نشان دهنده یکسان نبودن دسترسی زنان و مردان به فرصت‌ها و امکاناتی مانند امکانات آموزشی است (۱۵). در واقع، جنسیت یکی از ویژگی‌های طبیعی افراد است که در بیشتر جوامع بر پایه‌ی معیار فرهنگی - اجتماعی ارزیابی می‌شود و در سال‌های اخیر، در کنار قومیت، به یکی از پایه‌های اساسی نابرابری اجتماعی تبدیل شده است. شکلهای گوناگونی از نابرابری جنسیتی در سطح جهان دیده می‌شود و وضعیت نابسامان بهداشت، تغذیه، آموزش و آگاهی و اشتغال از جمله مصادیق آن هستند. زنان در جامعه، با نابرابریها مواجهند و در خانواده و جامعه، قربانیان اصلی خشونت فیزیکی روانی و اقتصادی به شمار می‌آیند (۱۶). با توجه به مطالب مطرح شده هدف پژوهش حاضر تبیین اخلاقی و جامعه‌شناختی زمینه‌های مؤثر بر جنسیت‌زدگی جامعه است و برای دستیابی به این هدف در صدد است به سؤالات زیر پاسخ دهد:

مدل جامع زمینه‌های مؤثر بر جنسیت‌زدگی جامعه چگونه است؟ آیا مدل پژوهش از برآزش مناسب برخوردار است؟

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و با توجه به ماهیت موضوع از نوع ترکیبی بود.

در بخش کیفی که به روش داده‌بنیاد انجام شد جامعه آماری شامل اساتید دانشگاهی رشته جامعه‌شناسی که در زمینه اخلاق و حقوق زنان فعالیت داشتند بود و از میان آنها نمونه‌ای ۱۵ نفره با روش نمونه‌گیری هدفمند و رسیدن به اشباع نظری انتخاب شد. ابزار مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته بود. در این پژوهش، شیوه سیستماتیک که توسط اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) مطرح شده است، به عنوان مبنای کار کیفی در نظر گرفته شده است بنابراین داده‌ها با روش کدگذاری ۳ مرحله‌ای تحلیل شدند.

در بخش کمی جامعه آماری شامل زنان و مردان بالای ۱۸ سال در شهر اردبیل در سال ۱۴۰۱ بود که طبق آمار ۴۰۸۳۲۲ نفر می‌باشد که طبق جدول مورگان از میان آنها ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد اعتبار الگو، ابزار پرسشنامه بود که به صورت محقق ساخته تدوین شده است این پرسشنامه شامل ۶۰ سوال بود که شامل ۶ بخش (شناسایی ابعاد و نشانگرهای جنسیت‌زدگی جامعه (۱۱ سوال)؛

در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS و Lisrel با آزمونهای معادلات ساختاری انجام گرفت.

یافته‌ها

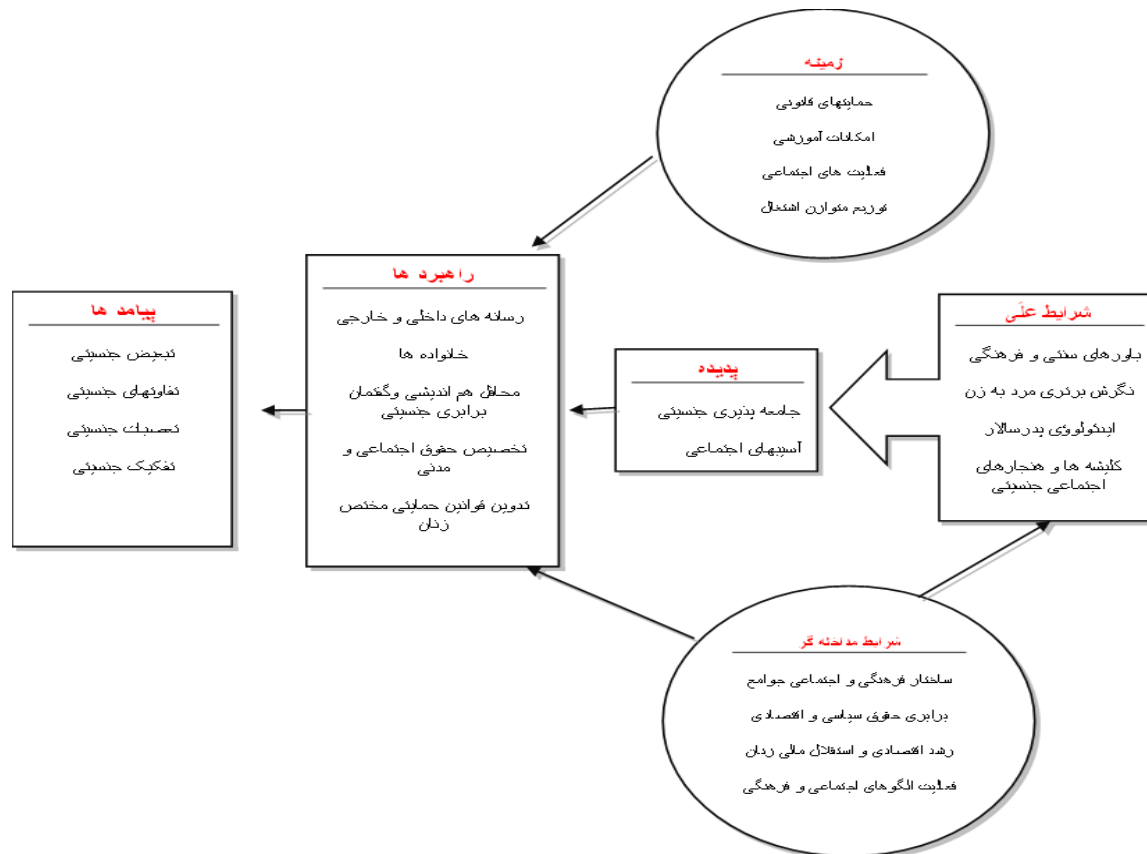
نتایج بخش کیفی

بر اساس نتایج کیفی ۶۳ کد باز شناسایی شد که در ۲۴ مقوله طبقه بندی و در نهایت با کد گذاری انتخابی مدل تحقیق ترسیم شد. (جدول ۲) (نگاره ۱).

جدول ۲: مقوله‌های شکل گرفته در مرحله گذاری محوری اولیه

مقولات	کدهای باز (مفاهیم)
جامعه پذیری جنسیت‌زدگی	- باورهای قالبی جنسیتی - نگاه برتری به زن - ایدئولوژی مردسالاری ^{۱۳}
آسیبهای اجتماعی	- افسردگی - خشونت - اعتیاد - طلاق - محرومیت‌های اجتماعی ^{۱۴}
تبعیض جنسیتی	- فردی - خانوادگی - اجتماعی
تفاوت‌های جنسیتی	- باورهای فرهنگی و سنتی خانواده‌ها
تعصبات جنسیتی	- نگرش تبعیض‌آمیز جنسیتی - تفکیک جنسیتی
تفکیک جنسیتی	- سوگیری جنسیتی - کاهش روابط اجتماعی در فضای عمومی جلسه
باورهای سنتی و فرهنگی	- ترویج نگرش برابری مرد و زن - باورهای قالبی جنسیت‌زدگی
نگرش برتری مرد به زن	- منزلت اجتماعی ^{۱۵} - عقاید خرافی موجود - باورهای غلط فرهنگی
ایدئولوژی پدرسالاری	- حفظ قدرت و تسلط بر زنان و کودکان در خانواده
کلیشه‌ها و هنجارهای اجتماعی جنسیتی	- هنجارهای اقتصادی - هنجارهای سیاسی - هنجارهای اخلاقی و رفتاری
ساختار فرهنگی و اجتماعی جوامع	- تقویت ابعاد فرهنگی جامعه - تقویت ابعاد اجتماعی جامعه
برابری حقوق سیاسی و اقتصادی	- بازنگری قوانین حقوقی، سیاسی و اقتصادی موجود - حمایت از زنان
رشد اقتصادی و استقلال مالی زنان	- کسب درآمد - اشتغال - عدم نیاز به غیر - استقلال مالی
فعالیت‌های الگوهای اجتماعی و فرهنگی	- ترویج نگرش برابری زن و مرد - تأمین منابع مالی و حقوقی حمایتی از زنان - ترویج فرهنگ اجتماعی
حمایت‌های قانونی	- نابرابری حقوقی - حمایت‌های انجمن‌های حمایتی از زنان
امکانات آموزشی	- آموزه‌های نظام آموزشی - استفاده از مزیتها و امکانات آموزشی

<ul style="list-style-type: none"> - استراتژی کاهش نگرش جنسیتی - افزایش بهداشت روانی جامعه 	
<ul style="list-style-type: none"> - حضور فعال در جامعه - دستیابی به اهداف شغلی - دستیابی به اهداف مالی 	فعالیت در عرصه‌های اجتماعی و فضاها شهری
<ul style="list-style-type: none"> - محدودیت تنوع شغلی - محدودیت ارتقاء شغلی 	توزیع متوازن اشتغال
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد تعادل در زندگی - تأمین نیازهای مالی خانواده - کسب درآمد و رفاه و اعتبار اجتماعی - ارتقاء بهره‌وری 	بهره‌وری فعالیتهای اجتماعی زنان
<ul style="list-style-type: none"> - ترویج ارزشهای سنتی - افزایش تفکیک جنسیتی - تولید محتواهای فرهنگی مناسب 	رسانه‌ها داخلی و خارجی
<ul style="list-style-type: none"> - فرهنگ - عقاید - سنت 	خانواده‌ها
<ul style="list-style-type: none"> - محافل هم‌اندیشی - گفت‌وگوهای اجتماعی و تخصصی - فعالیت‌های انجمن‌های حمایتی 	محافل هم‌اندیشی و گفتمان‌های برابری جنسیتی
<ul style="list-style-type: none"> - تدوین منشور حقوقی زنان 	تخصیص حقوق اجتماعی و مدنی
<ul style="list-style-type: none"> - تدوین قوانین حمایتی - نظارت بر اجرای بهینه قوانین 	تدوین قوانین حمایتی مختص زنان



نگاره ۱: نمونه کدگذاری بصری داده‌ها در مرحله کدگذاری محوری ثانویه

نتایج بخش کمی

لازم جهت انجام تحلیل عاملی اکتشافی بر خوردارند.
(جدول ۳).

با توجه به اینکه نتایج عدد *KMO* برابر با (۰/۹۹۸) و *Sig* آزمون بارتلت نیز برابر با (۰/۰۰۰) بود در نتیجه داده‌ها از کفایت

جدول ۳: تحلیل عاملی اکتشافی مدل عامل‌های فرهنگی و اجتماعی بر جنسیت‌زدگی جامعه

ابعاد	گویه‌ها	عاملها					
		۱	۲	۳	۴	۵	۶
جامعه‌پذیری جنسیت‌زدگی	سوال ۱	۰/۷۰					
	سوال ۲	۰/۷۵					
	سوال ۳	۰/۷۰					
	سوال ۴	۰/۶۶					
	سوال ۵	۰/۵۶					
	سوال ۶	۰/۷۰					
	سوال ۷	۰/۷۰					
آسیب‌های اجتماعی	سوال ۸	۰/۶۷					
	سوال ۹	۰/۸۰					
	سوال ۱۰	۰/۶۰					
	سوال ۱۱	۰/۶۴					
تبعیض جنسیتی	سوال ۱		۰/۶۷				
	سوال ۲		۰/۷۰				
تفاوت‌های جنسیتی	سوال ۳		۰/۷۷				
	سوال ۴		۰/۷۷				
تعصبات جنسیتی	سوال ۵		۰/۷۸				
	سوال ۶		۰/۷۰				
تفکیک جنسیتی	سوال ۷		۰/۷۲				
	سوال ۸		۰/۷۸				
	سوال ۹		۰/۷۶				
باورهای سنتی و فرهنگی	سوال ۱			۰/۶۴			
	سوال ۲			۰/۶۶			
نگرش برتری مرد به زن	سوال ۳			۰/۵۹			
	سوال ۴			۰/۵۸			
ایدئولوژی پدرسالاری	سوال ۵			۰/۷۱			
	سوال ۶			۰/۷۵			
کلیشه‌ها و هنجارهای اجتماعی جنسیتی	سوال ۷			۰/۷۰			
	سوال ۸			۰/۶۰			
	سوال ۹			۰/۷۰			
ساختار فرهنگی و اجتماعی جوامع	سوال ۱			۰/۷۲			
	سوال ۲			۰/۷۲			
برابری حقوق سیاسی و اقتصادی	سوال ۳			۰/۸۸			
	سوال ۴			۰/۷۲			
رشد اقتصادی و استقلال مالی زنان	سوال ۵			۰/۷۸			
	سوال ۶			۰/۷۲			
	سوال ۷			۰/۷۵			
فعالیت‌های الگوهای اجتماعی و فرهنگی	سوال ۸			۰/۶۰			
	سوال ۹			۰/۷۰			
حمایت‌های قانونی	سوال ۱			۰/۷۵			
	سوال ۲			۰/۷۵			
	سوال ۳			۰/۶۱			

سوال ۴	۰/۵۶				فعالیت در عرصه های اجتماعی و فضاهای شهری
سوال ۵	۰/۵۶				
سوال ۶	۰/۷۸				توزیع متوازن اشتغال
سوال ۷	۰/۶۴				
سوال ۸	۰/۶۲				بهره وری فعالیتهای اجتماعی زنان
سوال ۹	۰/۵۶				
سوال ۱۰	۰/۷۴				
سوال ۱۱	۰/۶۷				
سوال ۱۲	۰/۷۸				رسانه ها داخلی و خارجی
سوال ۱	۰/۶۹				
سوال ۲	۰/۶۰				
سوال ۳	۰/۷۴				خانواده ها
سوال ۴	۰/۸۸				
سوال ۵	۰/۶۲				محافل هم اندیشی و گفتمان های برابری جنسیتی
سوال ۶	۰/۶۶				
سوال ۷	۰/۷۶				تخصیص حقوق اجتماعی و مدنی
سوال ۸	۰/۵۶				
سوال ۹	۰/۵۶				تدوین قوانین حمایتی مختص زنان
سوال ۱۰	۰/۶۶				
سوال ۱۱	۰/۶۰				
سوال ۱۲	۰/۷۶				
سوال ۱۳	۰/۷۸				

بنابراین می‌توان بیان نمود که تمامی عوامل شناسایی شده می‌توانند جز عوامل مدل عامل‌های فرهنگی و اجتماعی بر جنسیت‌زدگی جامعه به شمار بیایند.

با اجرای دستور دوران متعادل (چرخش واریماکس) در بررسی نتایج تحلیل عاملی اکتشافی بر روی مدل عامل‌های فرهنگی و اجتماعی بر جنسیت‌زدگی جامعه نشان داده شد. که تمامی سوال‌های تحقیق به لحاظ داشتن بار عاملی بیشتر از ۰/۳۰ در ۶ عامل دسته‌بندی شدند.

جدول ۴: ماتریس فروئل و لارکر عوامل مربوط به طراحی مدل عامل‌های فرهنگی و اجتماعی بر جنسیت‌زدگی جامعه

متغیر	ابعاد و نشانگرهای عامل‌های فرهنگی و اجتماعی	پیمادهای تأثیر عامل‌های فرهنگی و اجتماعی	عوامل علی اثرگذار عامل‌های فرهنگی و اجتماعی	عوامل مداخله‌گر عامل‌های فرهنگی و اجتماعی	عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر عامل‌های فرهنگی و اجتماعی	راهبردهای عامل‌های فرهنگی و اجتماعی
ابعاد و نشانگرهای عامل‌های فرهنگی و اجتماعی	۱/۰۸					
پیمادهای تأثیر عامل‌های فرهنگی و اجتماعی	۰/۶۸	۱/۱۳				
عوامل علی اثرگذار عامل‌های فرهنگی و اجتماعی	۰/۶۳	۰/۷۰	۱/۰۹			
عوامل مداخله‌گر عامل‌های فرهنگی و اجتماعی	۰/۵۱	۰/۶۸	۰/۷۹	۱/۵۷		
عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر عامل‌های فرهنگی و اجتماعی	۰/۴۹	۰/۵۸	۰/۶۳	۰/۵۱	۱/۴۱	
راهبردهای عامل‌های فرهنگی و اجتماعی	۰/۳۰	۰/۵۳	۰/۴۰	۰/۵۶	۰/۵۹	۱/۳۱

مدل عامل‌های فرهنگی و اجتماعی بر جنسیت‌زدگی جامعه است برآورد می‌کند (روایی همگرا) و همچنین نتایج حاکی از این است که خرده مقیاس‌ها چنان همبستگی بالایی ندارند که همه آن‌ها تبدیل به یک سازه شوند و لذا مؤلفه‌ها تکراری نیستند (روایی واگرا).

همان‌طور که مشخص است مقادیر موجود در روی قطر اصلی ماتریس، از کلیه مقادیر موجود در ستون مربوط آن بزرگ‌تر است و نشان‌دهنده آن است که در مدل دارای اعتبار تشخیص مناسبی است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که هر ۶ عامل، هدف پرسشنامه را که طراحی

بومی مسأله‌شناسی، بررسی و درمان نمود اما باید توجه داشت که جامعه‌پذیری یکسان بین دو جنس، جدای از اینکه با رویکرد اخلاقی - اسلامی به تربیت در تناقض است، خود آفت‌های بسیاری را به همراه دارد که می‌توان به تشتت در هویت جنسیتی، تعارض در نقشها و کمرنگ شدن ساختار خانواده اشاره کرد. مشکلاتی که هم اکنون نیز جامعه غربی با آن دست به‌گریبان است.

با توجه به نتایج عوامل اقتصادی در نابرابری مؤثر است و اشتغال و درآمد زنان، عامل مهمی در از بین بردن این نابرابریها معرفی شده و شرایط نامساوی کار در بین زنان و مردان شاغل، از مؤلفه‌های نابرابری قلمداد شده است. این تلقی نیز در بطن خود حاوی همان نگاه تساوی طلبانه فمینیستی است.

نتیجه‌گیری

بر اساس نظریه جامعه‌پذیری نقش‌ها جنسیتی، نابرابری جنسیتی موجود بین دو جنس از آغاز کودکی از طریق فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی در پسران و دختران نهادینه می‌شود و هر فردی بدون توجه به ویژگی‌های شخصیتی‌اش، بر اساس جنس او به سوی انتخاب نقش اجتماعی‌اش جهت داده می‌شود. در راستای تبیین نقش‌های جنسیتی، نظریه‌های گوناگونی از منظرهای مختلف ساخته و پرداخته شده است، اما هر یک از این نظریه‌ها فقط به برخی از جنبه‌های این پدیده توجه شده و از این‌رو، چارچوب نظری جامع و استواری در این باره فراهم نیامده است. در این پژوهش سعی شد با بهره‌گیری از نکات مثبت نظریه‌های موجود و نیز نتایج این پژوهش یک جمع‌بندی خوب انجام گیرد تا بدون غلتیدن در افراط و تفریط نظریه‌های موجود، از یک سو تأثیر تفاوت‌های جنسیتی طبیعی در بروز نقش‌های جنسیتی را مفروض می‌گیرد و از سوی دیگر، این تأثیر را صرفاً در حد تأثیر اعدادی تعبیر می‌کند و به این ترتیب، از تحلیل‌های جبرگرایانه در این باره می‌پرهیزد. به نظر می‌رسد تثبیت این رویکرد متعادل در مرحله سیاست‌گذاری جنسیتی، شرط لازم برای برون رفت از مشکلات فراوانی است که اینک در حوزه جنسیت مشاهده می‌کنیم.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این مقاله اصول اخلاق پژوهش رعایت شده. موضوعات اخلاقی همچون؛ سرقت ادبی، رضایت آگاهانه؛ انتشار چندگانه و ... در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته‌اند و در آن هیچ تعارض منافعی وجود ندارد.

سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقا احمد جهانی کله سر با عنوان «مطالعه‌ی نقش عامل‌های فرهنگی و اجتماعی بر جنسیت‌زدگی جامعه (مورد مطالعه: شهر اردبیل)» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال می‌باشد.

در بیشتر اجتماعات بشری، افراد بر حسب ملاک‌های اجتماعی نظیر نقش و پایگاه، طبقه، مذهب، نژاد، قومیت و غیره دسته‌بندی می‌شوند. یکی از مهم‌ترین معیارهای اجتماعی - فرهنگی برای دسته‌بندی افراد جامعه، جنسیت می‌باشد. در حقیقت، بزرگترین گروه‌بندی در هر اجتماعی، تقسیم افراد جامعه به دو گروه زن و مرد است. هر یک از مقوله‌های مرد یا زن بودن، تصورات و پیش‌فرض‌هایی را درباره‌ی نگرش‌ها و رفتارهای مناسب مردانه و یا زنانه به دنبال دارد که در فرهنگ هر جامعه‌ای طبق دیدگاه فمینیستی این نابرابری‌ها، طبیعی و برخاسته از مقتضیات زیست‌شناختی دو جنس نبوده بلکه عارضی نظام سلطه‌گرانه اقتدار است.

هدف از پژوهش حاضر مطالعه‌ی نقش عامل‌های اخلاقی و اجتماعی بر جنسیت‌زدگی جامعه بود که نتایج نشان داد ابعاد (جامعه‌پذیری جنسیت‌زدگی و آسیب‌های اجتماعی)؛ پیامدهای تأثیر و نشانگرهای عامل‌های فرهنگی و اجتماعی (تبعیض جنسیتی، تفاوت‌های جنسیتی، تعصبات جنسیتی، تفکیک جنسیتی)؛ عوامل علی‌اثرگذار (باورهای سنتی و فرهنگی، نگرش برتری مرد به زن، ایدئولوژی پدرسالاری، کلیشه‌ها و هنجارهای اجتماعی جنسیتی)؛ عوامل مداخله‌گر اثرگذار (ساختار فرهنگی و اجتماعی جوامع، برابری حقوق سیاسی و اقتصادی، رشد اقتصادی و استقلال مالی زنان، فعالیت‌های الگوهای اجتماعی و فرهنگی)؛ عوامل زمینه‌ای اثرگذار شامل ابعاد (حمایت‌های قانونی، دسترسی به فرصت‌ها و امکانات آموزشی، فعالیت در عرصه‌های اجتماعی و فضاهای شهری، توزیع متوازن اشتغال، بهره‌وری فعالیت‌های اجتماعی زنان)؛ راهبردهای عامل‌های فرهنگی و اجتماعی بر جنسیت‌زدگی جامعه ابعاد (رسانه‌های داخلی و خارجی، خانواده‌ها، محافل هم‌اندیشی و گفت‌وگو برای برابری جنسیتی، تخصیص حقوق اجتماعی و مدنی و تدوین قوانین حمایتی مختص بانوان) مورد شناسایی قرار گرفت. نتایج بدست آمده با نتایج تحقیقات برخی محققان (۱۷-۲۳) همسو می‌باشد. طبق نتایجی که از تحلیل سوالات این تحقیق بدست آمد پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

با توجه به نتایج بدست آمده افزایش تفکیک جنسیتی در جامعه و کاهش روابط اجتماعی در فضای عمومی بین دختران و پسران باعث گسترش جنسیت‌زدگی در جامعه می‌شود و تعصبات جنسیتی افزایش پیدا می‌کند و سوگیری‌های جنسیتی را دامن می‌زند که باید مدیران و برنامه‌ریزان این حوزه با کمک نخبگان رشته‌های مربوطه در جهت بهتر کردن وضعیت کمک کنند.

عوامل اخلاقی و اجتماعی مؤثر بر جنسیت‌زدگی در جامعه عواملی از قبیل (نابرابری جنسیتی، جامعه‌پذیری جنسیتی، مردسالاری، کلیشه‌های جنسیتی، تعصبات جنسیتی، تفکیک جنسیتی، ...) بوده است که خود، جای مناقشه دارد. هر چند بستر فرهنگی و وجود عقاید و آداب و رسوم، بخشی از تلقی نادرست نسبت به زن را در جوامعی مثل جامعه ایران تشکیل می‌دهد که باید آن را از منظری

11. Ritzer G. (2008). Contemporary sociological theory. Translated by Salasi M. 1st ed. Iran/Tehran: Sales Publication. (In Persian).
12. Feizolahi A. (2022). Sociological study of domestic violence against women (case study: city of Ilam). *Woman in Development & Politics*; 20(4): 529-556. doi: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.341883.1008200>
13. Ezazi S. (2005). Society structure and violence against women. *Refahj*; 4(14): 59-96. (In Persian).
14. Shadloo S. (2003). The role of culture in balancing gender attitudes in social life for empowering women. Collection of articles of women's empowerment conference, Women's Participation Center, Tehran, Iran. (In Persian).
15. Budak F, Aktürk Ü, Aysel Ö, Abdurrezzak G. (2018) The relationship between domestic violence against women and suicide risk. doi: <https://doi.org/10.1016/j.apnu.2018.03.016>
16. Ahmadi H, Garoosi S. (2004). Socio-cultural factors and gender inequality in the family: a case study of the city of Kerman and its surrounding villages. *Women's Studies Sociological and Psychological*; 2(6): 5-30. doi: 10.22051/jwsp.2004.1307
17. Ghazizadeh H, Zaharakar K, Kiamanesh A, Mohsenzadeh F. (2018). Conceptual model of underlying factors in women domestic violence against men. *IJPN*; 6(4) :35-48. (In Persian).
18. Azadi K, Vatanparast M, Nematollahi S. (2022). The role of gender in consequentialism and ethical conscientiousness. *Ethics in Science and Technology*; 17(2): 192-195. (In Persian). Dor: 20.1001.1.22517634.1401.17.2.25.7
19. Jamshidi A, Gholami A, Pirzad A. (2022). Ranking of effective factors in the appointment and promotion of managers with a gender justice approach in Iran. *Ethics in Science and Technology*; 17:37-42. (In Persian).
20. Akbari R, Tajik L, Ghafarsamar R, Kiani G. (2012). Moral dilemmas in language classrooms: effect of gender and experience of teachers. *Ethics in Science and Technology* 2012; 6 (4) :96-106. (In Persian). Dor: 20.1001.1.22517634.1390.6.4.10.9
21. Bagherabadi SM, Banimahd B, Royaei R. (2023). The relationship between machiavellianism and moral identity of auditors: examining the role of gender. *Int. J. Ethics Soc*; 5 (1): 43-49. Doi: 10.52547/ijethics.5.1.7
22. Hajiabbasi M, Vatanparast MR, Banimahd B, Azadehdel MR. (2022). The effect of professional commitment on auditors' ethical whistleblowing: moderating role of gender and age. *Int. J. Ethics Soc*; 4 (1): 39-46. Doi: 10.52547/ijethics.4.1.38
23. Rahnamafalavarjani Z, Kiyani M. (2015). The impact of feeling gender inequality on social capital at Isfahan educated women. *Journal of Applied Sociology*; 26(2): 77-90. Dor: 20.1001.1.20085745.1394.26.2.5.1.

واژه نامه

- | | |
|-------------------------|---------------------|
| 1. Ethics | اخلاق |
| 2. Social interactions | تعاملات اجتماعی |
| 3. Empowerment of women | توانمندسازی زنان |
| 4. Gender inequality | نابرابری جنسیتی |
| 5. Social structures | ساختارهای اجتماعی |
| 6. Moral values | ارزشهای اخلاقی |
| 7. Feminism perspective | دیدگاه فمینیسم |
| 8. Gender stereotypes | کلیشه های جنسیتی |
| 9. Cultural patterns | الگوهای فرهنگی |
| 10. Gender norms | هنجارهای جنسیتی |
| 11. Social harm | آسیب اجتماعی |
| 12. Sexual violence | خشونت جنسی |
| 13. Patriarchy | مردسالاری |
| 14. Social deprivation | محرومیت‌های اجتماعی |
| 15. Social status | منزلت اجتماعی |

References

1. Walker A, Kulkarni KG. (2021). Role of women in economic development: A comparison of the development trajectories in Ethiopia and Uganda. *The Journal of developing areas*; 55(2): 387–396. <https://doi.org/10.1353/jda.2021.0026>
2. Hull KE. (2002). Review of masculine domination. *Social Forces*; 81(1): 351-352
3. Bordiou P. (2001). Theory of action. Translated by Mardiha M. 1st ed. Iran/Tehran: Naghsh O Negar. (In Persian)
4. Holmes M. (2008). Gender and life. Translated by Labibi M. 1st ed. Iran/Tehran: Criticism of Thoughts. (In Persian).
5. Ahmadi V. (2013). Changes in attitude towards gender inequality in the process of demographic transition. *Journal of Applied Sociology*; 24(3): 15-34. (In Persian). Dor: 20.1001.1.20085745.1392.24.3.2.6
6. Alizadeh A, Danesh P. (2017). Sociological analysis of gender quotas in higher education of Iran. *Women's Studies Sociological and Psychological*; 15(1): 7-39. doi: 10.22051/jwsp.2017.7687.1071
7. Eitzen DS, Maxine BZ, Kelly ES. (2011). Social problems. 1st ed. USA: Pearson Education, Inc., publishing as Allyn & Bacon.
8. Gidenz A. (2010). Sociology. Translated by Chavoshian H. 1st ed. Iran/Tehran: Nei Publication. (In Persian).
9. Collin R, Chafetz J, Blumberg R, Coltrane S, Turner J. (1993). Toward an integrated theory of gender stratification. *Sociological Perspectives*; 36: 185-216. Doi: 10.2307/1389242
10. Zanjani Zadeh H. (2007). Analysis of the relationship between education and gender inequalities. *Education*; 23(3): 55-70. (In Persian).